

ساحتِ تزئینی

اندکی در باب غفلت از ساحت تربیت
زیبایی‌شناختی و هنری


توانایی درک، فهم، خلق و تحلیل زیبایی در طبیعت و در آثار هنری است. بر اساس این مهم، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یکی از ساحت‌های مهم تربیت، ساحت زیبایی‌شناختی و هنری در نظر گرفته شده است. از جمله اصول حاکم بر این ساحت عبارت‌اند از:

این موضوع که یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت شناکردن دانش‌آموزان با هنر و زیبایی‌های مادی و معنوی، ارائه فهمی از هنر به آن‌ها، ایجاد حس قدرشناسی از هنر و زیبایی، و پرورش خلاقیت هنری است، مورد تأکید تمامی اندیشمندان عرصه تعلیم و تربیت است. بسیاری بر این باور هستند که یکی از مسائل مهم تعلیم و تربیت ایجاد

- ❖ تأکید بر پرورش حواس؛
- ❖ فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب پرورش تخیل و قوه خیال؛
- ❖ تلقی تربیت زیبایی‌شناختی و هنری به‌مثابه تربیت همگانی؛
- ❖ تأکید بر فراهم‌سازی زمینه‌ها و شرایط آفرینشگری و خلاقیت برای متریبان؛
- ❖ تأکید بر تربیت زیبایی‌شناختی و هنری به‌منزله روح حاکم بر کل برنامه درسی به‌عنوان فرابرنامه درسی؛
- ❖ تأکید بر انعطاف‌پذیری تربیت زیبایی‌شناختی و هنری.

در کنار این اصول، برای ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری حدود و قلمروی نیز در نظر گرفته شده است، از جمله اینکه:

- ❖ این ساحت بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است؛
- ❖ این ساحت به رشد قوه خیال و پرورش عواطف و احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متریبان ناظر است؛
- ❖ به ایجاد توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی منتج می‌شود؛
- ❖ زمینه‌ساز خلق آثار هنری می‌شود؛
- ❖ در وجود متریبان زمینه‌ها و توانایی‌های قدردانی و ارزشیابی آثار هنری را فراهم می‌آورد.



نمی‌آید! هنر چیزی شبیه به یک روش کلی است که از طریق هر موضوعی می‌توان آن را آموخت و آموزش داد. بر همین اساس، در سند تحول تأکید شده است که تربیت زیبایی‌شناختی باید به‌عنوان فرابرنامهٔ درسی و روح حاکم در نظام آموزش و پرورش و دارای قابلیت جاری شدن و تحقق از طریق و مسیر تمامی درس‌ها و برنامه‌های درسی نگریسته شود. اما با کمال تأسف باید اذعان کرد که در نظام تعلیم و تربیت کشور هنوز مفهوم‌پردازی جامعی از این نوع تربیت صورت نگرفته است!

اکنون و با توجه به آنچه بیان شد، بنا دارم با طرح مسئله‌ای زمینه‌ساز اندیشیدن و تفکر خوانندگان محترم بشوم. با اهمیتی که از یک طرف برای تربیت هنری و زیبایی‌شناختی عنوان شد، به نحوی که اگر نیک اندیشه کنیم، تربیت بدون فهم هنری و زیباشناسانه از علم ماده و معنا تربیتی ناقص و حتی جسارتاً بی‌تربیتی است! و از جانب دیگر درهم‌تنیدگی بسیار جدی نسل جوان با انواع فناوری‌ها، به شکلی که نه تنها این نسل توان زیستن و تصور دنیای بدون فناوری برایشان از محالات است، بلکه اساساً دنیا را از دریچهٔ فناوری فهم و درک می‌کند (هستی‌شناسی مبتنی بر فناوری)، چگونه می‌توان از ظرفیت فناوری برای بهبود این ساحت مهم تربیتی استفادهٔ بهینه کرد و با کمترین آسیب، که متأسفانه گاه در ذات و ماهیت فناوری‌های نوین هم نهفته است، اقدام کرد؟

پاسخ به این سؤال مثل خود پرسش دشوار است! اما اندیشمندان عرصهٔ تعلیم و تربیت چاره‌ای و گریزی از دادن پاسخ به آن ندارند!

ما به‌قدر وسع و توان و مجالی که مجله در اختیار دارد، در پروندهٔ ویژهٔ این شماره، به مصداقی بسیار کوچک از امکان‌های فناوری‌های جدید در عرصهٔ تولیدات هنری، و محتواهای آموزشی و تربیتی در قالب «گرافیک و یادگیری» پرداخته‌ایم تا گوشه‌ای از ظرفیت‌های فناوری برای هنرمندان ارائه‌کردن برنامه‌های درسی را شرح داده باشیم. امید که مورد استفاده قرار گیرد و مؤثر افتد.

در حالی که این مطالب از اهمیت

و ضرورت تربیت در ساحت

هنری و زیبایی‌شناختی نشان دارند، اما هنر و

زیبایی‌شناسی عموماً در مؤسسات آموزشی تربیتی مورد غفلت قرار می‌گیرند و درک از آموزش هنری و تربیت زیبایی‌شناختی به توانایی ترسیم آثار نازل هنری یا ساخت نمونه‌های ساده که به‌طور عمده تقلیدی‌اند یا در نهایت اندکی خلاقیت دارند، تقلیل یافته و طبیعی است با این درک تقلیل‌یافته از تربیت هنری، نمی‌توان اهداف مورد انتظار در سند تحول دربارهٔ تربیت زیبایی‌شناختی را منتظر و متصور بود!

واقعیت این است که فعالیت هنری واقعی صرفاً احساسات یا تخیلات محض برای تحریک خیال‌پردازی‌های نامتعارف یا دل‌خوشی‌های عاطفی نیست، بلکه فعالیت هنری و زیبایی‌شناختی با دگرگونی اشیاء و خلق چیزهای جدید ارتباط دارد. هنر در بسترسازی برای ایجاد زمینه‌های بروز استعدادها، نهفتهٔ آمی توانایی فوق‌العاده و کم‌نظیری دارد و اگر بتوان با فهم درست از چیستی هنر و زیبایی‌شناسی، با ادراک صحیح و جامع از چگونگی تحقق تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، معلمان و مربیان را پرورش داد که علاوه بر اینکه خود استعدادها و توانایی‌های اصیل هنری دارند، می‌توانند با به‌کارگیری الگوها و روش‌های کارآمد زمینه‌های تربیت هنری متربیان را فراهم آورند، در آن صورت می‌توان امیدوار بود کودکان و نوجوانان از سیطرهٔ آموزش و پرورش حافظه‌محور و خشک و بی‌ارتباط با زیبایی‌های عالم رها شوند و علاوه بر اینکه روح زیبایی‌شناسی در ایشان ظهور و بروز می‌یابد، در عمل نیز خالق آثار هنری و قدرشناس دانشته‌های هنری و زیباشناسانهٔ فرهنگی و تمدنی کشور باشند.

هنر درسی مستقل و بی‌ارتباط با سایر درس‌ها نیست. اساساً تربیت هنری و زیبایی‌شناختی با پرداختن تک‌بعدی و غیرمرتبط با سایر حوزه‌های برنامهٔ درسی به دست